

فرق آرمان شهر با دیگر شهرها به این است که حاکمان آرمان شهر نه تنها مانع کار خیر و رشد تو نمی شوند بلکه تو را در خیر یاری می کنند و مانع رفتار اهل شر هستند. ولی این چنین نیست که در آرمان شهر، نظام طبیعی در هم ریزد

و اگر گندم بکاری، گندم درو می کنی و شکوه آدمی به این است که دارای قدرت انتخاب است. لیکن در آرمان شهر، به مومنان آموزش می دهند که چگونه از توان انتخاب خود بهره بگیرند. پنجمین پیشوای شیعیان حضرت امام محمد باقر (ع) می فرماید این در دست که آفریدگار به تو توان انتخاب بخشیده، لیکن پروردگار می فرماید که خلیفه من هنگام انتخاب موظف است تمام ارزش ها را در نظر بگیرد و بر پایه عدل، پر ارزش ترین آن ها را برگزیند.

حاصل همه این ها که نوشتیم این است که فرق آرمان شهر با دیگر شهرها فقط به این است که در آرمان شهر جو این چنین است که هر کس بخواهد در کسب ارزشی، ر شدی داشته باشد محیط هماهنگ با او است. اما در آن جا هم پلیدان می توانند به پنهانی، پلیدی کنند، اما نیکوکاران در چنان فضایی، دست شان بازتر است و تا قدرتی دارند می توانند به ارزش ها برسند اما به سعی و کوشش خود. زیرا خداوند می فرماید: «لیس للانسان الا ما سعی». آری، در آن جا هم نمی شود به بی هنر، هنر تزریق کرد. اما زمینه برای رشد هنرمندان خواهد و بتواند رشد کند، آماده است. چنان چه در دوران انقلاب اسلامی هم هنرمندانی چون نیروهای نظامی تحت فرمان رهبری از لحاظ توان دفاعی از فرش به عرش صعود کردند و انسان های دلباخته دانش پزشکی و داروسازی چون به استقلال رسیدند، جهان پزشکی را متحیر کردند و مردان و زنان دانش پژوه در رشته های مختلف دانش و به ویژه رشته های نانو و هسته ای در دل دشمنان، دریایی از خون به راه انداخته اند زیرا همه آن ها به توصیه های رهبر غدیری خود دل سپردند. در این میان در رشته دامداری و کشاورزی اگر ارزش هایی را که نخبگانی با خون دل خود پرورده اند، استثنا کنیم و محصول زمین هایی را که پس از پیروزی به زیر کشت آورده ایم نادیده بگیریم ما، در این رشته در برخی جهات نزول هم داشته ایم. چرا؟ زیرا در این رشته ها گوش شنوا به سخن رهبری که فرمود: پایه اقتصاد این انقلاب دامداری و کشاورزی است و نیز توصیه ایشان که در این رشته جهاد باید کرد، توجهی جدی نداشته ایم و ادعاها پر حرفی است.

زیرا پیامبرمان می فرماید: علم و عمل مقرون می باشند و کسی که می داند به علمش عمل می کند و آن که عمل نمی کند در حقیقت نمی داند: **اَلْعِلْمُ مَقْرُونٌ بِالْعَمَلِ فَمَنْ عَمِلَ عَمِلَ وَمَنْ عَمِلَ عِلِمٌ** و این حدیث مبارک پاسخ گوی همه مدعیان بی هنر است. آیا ما که ادعای مکتبی بودن داریم همه کردار و رفتار خود را در شأن آرمان شهری که لطف خدا به ما بخشیده است، ساخته ایم؟ آیا ساختار سازمان های اداری کشور مناسب آرمان شهرمان است؟ یا به شعارها اکتفا می کنیم؟ آیا آماده شده ایم که در برابر حقیقت زانو بزنیم؟ یا این که بر پایه مصلحت در بسیاری از امور به آزادی کاملی که در آرمان شهرمان داریم در جامی ز نیمه تا میاد کفار از ما برنجد. قرآن کریم فرمان می دهد دست دزدی را که برای خودش کار نمی کند و به دیگران زیان می رساند، قطع کنی. زیرا

نبودن چنین دستی از بودنش حتی برای خود او بهتر است و اگر چنین می کردیم امروز دزدی به صفر رسیده بود ولی ما در برخی موارد دزد محکوم را برای تکمیل رشته به خرج خودمان به زندان می فرستیم و نیز با برخی از آنان که خیانت هایشان به انقلاب، آشکار شده است چه می کنیم؟ به چنین خائنی اجازه می دهیم برای تیرئه خود ۸ وکیل متخصص در ۸ رشته حقوقی استخدام و در زندان آقایی کند. حال بینیم امام علی (ع) پیشوای عدل با چنین مجرمانی چه می کند به حضرتش خبر می رسد که ناظر او در بازار هر مزگان خیانت می کند، بلافاصله به استاندار منطقه فرمان می دهد فوری او را بگیرد و بازجویی کند، اگر محکوم شد نخست او را معزول کند و پس از عزل او را شلاق بزند و به زندان افکند و اگر کسی در زندان با او تماس گرفت و برای سبک کردن جرمش، چیزهایی را به او آموخت و او را هم، شلاق بزنند و تا توبه نکند آژادش نکنند و در روزی پر از دحام، او را در شهر بگردانند و جارچی جار بزند، هر کس به اجبار رشوه ای به این خائن پرداخته، بیاید قسم بخورد تا از ثروتش بر دارند و به او پس بدهند و تا همه بدهی ها را انپردازد، او را محبوس نگه دارند، حتی به هوا خوری هم نبرند و چون بی مال و بی آبرو شد او را ها کنند که نیازی به زندانی کردن او نیست زیرا که او خود را از چشم ها به دور نگه می دارد. سپس به استاندارش، می نویسد پس از آن که او را خاکستر نشین کردن جار بزنند که امام علی (ع) با خائنان چنین رفتاری دارد و او ای بر تو اگر در انجام فرامین کوتاهی کنی. زیر اگر کوتاهی کنی با این که پیش من، بسیار عزیزی، با تو نیز به تناسب کارت همان می کنم که با این مجرم کردم.

حال بینیم ما، در آرمان شهری که فقه غدیر به ما اعطا کرده است چه می کنیم. کیف قایی، را که ۸۲ بار کیف قایی اوو به خاک و خون کشیدن صاحبان کیف به اثبات رسیده صورتش را شطرنجی می کنیم تا مردم او را شناسند تا باز هم به این کار بتواند ادامه دهد. در بی دفاعی مظلومان در این ساختار چیزهایی دیده ام که برخی را در کتاب "تلخ ترین نوشته ام" به ثبت تاریخ داده ام. گر چه اقرار می کنم که در دوران تصدی آیت... آملی لاریجانی وضع قضا بهتر شده است، لیکن هیئات که به آن جابرسد که مناسب تمدن آرمان شهر باشد، زیرا ما اصول اجرا را از فرهنگ قضای اسلامی از دست داده و بر پایه اصول حاکم بر قضای کفار بنا نهاده ایم و تنها میانی حکم را از کتاب های فقه کلاسیک می گیریم و بی رودر بایستی اجتهادی نداریم. در روزنامه خراسان، خواندید که مسئولان خرسندند از این که زمینی برای زندان جدید فراهم شده و به همین زودی با بودجه ای که در اختیار است زندان مجهز یا "دانشگاه بدآموزی موفق تری" را می سازیم. حال فرض کنید که با این بودجه ۱۵ شهرک زندانی در ۱۰ نقطه از کویر لوت های قابل احیای کشور، که هر لحظه بیشتر پیشروی می کنند، بسازند و با تاسیس گلخانه ای به تولید و پرورش نهال های بیابانی بپردازند و افرادی از زندانیان را در آن جاسکنی دهند و به آنان بگویند: هر کس هزار نهال بکارد که سبز شود یک سال از زندان او کم می شود. آیا با چنین روشی، شور و تحولی در زندانیان پدید نمی آید و تحولی در روحیه آنان پیدا نمی شود که وجود آنان در آینده مفید باشد؟

در لوت های ویرانگر تحولی ایجاد نمی شود با این که معادنی را در اختیارشان بگذاریم و سهم استخراج آنان را در حد دیگران بپردازیم؟ نه این که به شکلی که غریبان انجام می دادند، آنان را با غل و زنجیر به بردگی بکشانیم، بلکه به گونه ای با آنان رفتار شود و آموزش هایی داده شود که چون دیگران، به خاطر منفعت به کار پردازند. و به آنان نیز گفته شود که هر کس و بر چه پایه استخراج کند. اضافه بر سود بیشتر، به تناسب از دوران زندانش هم کاسته می شود. میزان مشخصی از معدن استخراج کند علاوه بر این که سهم سود خود را می برد، در حد هنرش، میزانی از مدت زندانش هم کاسته می شود و معتادان را که به

یقین بزرگترین آفت این مملکت هستند به جای این که در زندان به کارآموزی حرفه ای ها فرستند در محیطی خوش آب و هوا محبوس دارند و امکاناتی را برای درآمد در اختیارشان بگذارند و به آنان بگویند کل سود خالص هنر تان را به خودتان می دهیم و هر گاه فرد شایسته ای شدید، مرخص می شوید.

کمی هم به قوه مقننه بپردازم. بنیاد این قوه به کمال از غرب کافر، پس از رنسانس گرفته شده است. ساختاری در همه شئون بر پایه آرا کمی. صدمن طلا به قیمت صدمین خاکاره و ارزش خاکاره به خاطر حجم زیادت، بیشتر است. در این قوه، در همه شئون آیین چنین است که گزینش بر پایه آرای بیشتر است. چه نمی دانیم آن حقوق شخصی انسان هاست که مساوی می باشد نه ارزش هایی که از زمین تا به آسمان فاصله دارد و به همین خطا، نخست هر کس هیاهویی یا مرید و مرادی داشته باشد و بیشتر خرج انتخابش کند، موفق تر است. اندک اند آدم هایی که شایسته و شناخته شده باشند. در مشهد ما، که مردم همیشه به آدم های باسواد و متدین و تحصیل کرده ای رای می دهند که آرام و بی آزار و مصلحت اندیش باشند اگر بتوانند خدمتی می کنند و اگر نتوانند خون دل می خورند. حالا به مجلس برگردیم و به محیط قانون گذاری برای سرنوشت کشور آرمان شهرمان بپردازیم. روش در تصویب قانون این چنین است که اگر یک طرف مردانی باشند مانند سید جمال و مدرس و شیخ فضل... نوری و فقیه صاحب رای تنباکو و بهشتی و امام خمینی (ره) و آیت... خامنه ای، و اولیای این انقلاب و طبقه روشنفکر خادم چون امیر کبیر و مصدق و طرف دیگر افرادی چون دایی جان ناپلئون و دن کیشوت و به فرض نمایندگان کثیفی چون نمایندگان مجلس دوره رضاخانی یا هم آدم های نرم و آرام و مصلحت طلب، تنها گروهی حق تصویب قانون رای دارند، که یک رای بیشتر داشته باشند به فرض که آن یک نفر از اقلیت های مذهبی باشد همین که طرفی یک رای بیشتر داشت زنگ ریاست به صدا در می آید، تصویب شد. لیکن یک آرمان شهر، تمام پیروزی اش بر پایه اجرای احکام الهی و عقلی و علمی است. لذا در چنین آرمان شهری رئیس جمهور برای تاسیس کارخانه ۵/۸ میلیارد حواله به بانک می دهد و بانک طبق قوانین حواله را نکول می کند و طبق قانون دیگری از همان تولیدات کارخانه سالی بیش از صد میلیارد تومان، از جزیره ای کوچک تحت مدیریت دشمنان کاردان وارد می کند و صد ها نفر را بیکار می کند و حقوق بیکاری می دهند. شخصی از پیامبر (ص) یاری خواست حضرتش فرمود:

چرا کار نمی کنی؟ پاسخ داد کاری نیست فرمود: چرا کاسی نمی کنی؟ پاسخ داد سرمایه ای ندارم فرمود: کفش که داری آن ها را از پایت در آور و برای فروش جلویت بگذار و با پول آن به کاسی پرداز و چنین کرد و به برکت اندرز پیامبر (ص) چیزی نگذشت که کاسی بی نیاز شد. حال ما با هزار فوت و فن اداری جوانان را بیکار می کنیم و سپس به آنان حقوق بیکاری می دهیم و اما به نظر من در ایران با این همه معادن و هوای چهار فصل، اگر مدیریتی باشد کار مفید برای صد میلیون فراهم است و قیاس کشور آرمانی ما به کشور هایی که دیروز با گرفتن باج از کشورهای جهان سوم آقایی می کردند و امروز که به برکت روشنگری ها کسی به آنان باجی نمی دهد، قیاس معقولی نیست. چون من خودم تجربه دارم که در ۲ مزرعه مشابه یکی میانگین ۳۰ نفر کار می کنند و درآمد یک چاه شش اینچی به ۲۰۰ میلیون تومان هم می رسد و در مزرعه مشابهی فقط ۳ کشاورز کار می کنند و درآمد مزرعه آنان به ۶۰ میلیون تومان هم نمی رسد. آری عزیزان، آرمان شهر را هم اگر به دست مردمی که شایسته آن نباشند بدهید آن جا را مصیبت باران می کنند. با همه این ها، ناشری نباید کرد زیرا کشور ما به عنوان تنها کشوری که ساختار کلی آن بر پایه غدیر است هم اکنون در جهان نظیر ندارد. و لا حول و لا قوة الا بالله... العلی العظیم.

